



## نامه مینورسکی به قزوینی

به کوشش نادر م. کاشانی

از تاریخ اولین دیدار و آشنایی پروفیسور ولادیمیر مینورسکی با علامه محمد قزوینی اطلاع چندانی نداریم؛ ولی آنچه مسلم است این دوستی تا آخرین روزهای حیات قزوینی به نحو صمیمانه و شایسته‌ای ادامه یافت. شادروان مجتبی مینوی - که خود سعادت دوستی و نزدیکی با آن دو دانشور بزرگ را داشت - در سخنانی در مجلس یادبودی که در دانشگاه تهران به مناسبت درگذشت مینورسکی برگزار شده بود به این رابطه علمی اشاره کرده است. پس، در اینجا مناسب می‌نماید که قسمتی از آن سخنان را که گویاتر از هر نوع یادداشت و مقدمه‌ای است سرآغاز این نامه قرار دهیم؛ با این توضیح که شادروان دکتر محمد معین نیز پیشتر قسمتی از این نامه (و نه تمام آن) را در تعلیقات چهارم مقاله<sup>۱</sup> به مناسبت ذکر «حکیم عمر خیامی» به چاپ رسانده بود. اصل نامه اخیراً

از بازار کهنه‌فروشان کتاب به تملک نگارنده درآمد و عکس آن در پی می‌آید. لازم به ذکر است که در بازنویسی این نامه رسم الخط مؤلف را عیناً نگاه داشته‌ایم، حتی در مواردی که به نظر

ناقص یا نادرست می‌نماید.

اینک نوشته استاد مینوی:

مرحوم پروفیسور مینورسکی را بنده در ۱۹۲۸ (۱۳۰۸) یعنی در سی و شش سال پیش شناختم. مرحوم علامه قزوینی بنیانی بود از بنیانهای ایران در پاریس و طبعاً بمجردی که آنجا رسیدم بخدمت آن مرحوم رفتم و در همان هفته اول با مرحوم مینورسکی در منزل قزوینی آشنا شدم. [مینورسکی...]. در همه تحقیقات و تتبعات خود از مرحوم میرزا محمدخان قزوینی کسب اطلاع کرده است. این نکته شاید اینجا گفتنی باشد که در ابتدای ورود او به پاریس ایرانیان با او چندان گرم نبودند و از او دوری می‌کردند، و این مربوط به روابط سیاسی وطن ما با دول خارجی بود. ولی بعد از آنکه خدمات علمی او به روشن کردن مسائل مربوط به تاریخ و جغرافیا و ادبیات ایران مشهود شد بتدریج با او نزدیک شدند و سابقه سیاسی او را ندیده گرفتند و مخصوصاً مرحوم قزوینی با او بسیار گرم گرفت و در غالب مقالات هر یک از آن دو (و در مقالات مینورسکی بیشتر) آثار کمک و راهنمایی آن دو بیکدیگر دیده می‌شود. در یادداشتهای مرحوم قزوینی و حواشی که آن مرحوم بر کتب چاپ شده خود نوشته است نام مینورسکی مکرراً آمده است، و مینورسکی عرض تشکرهای جدا جدا برای همراهیهای مختلف همه را جمع کرده است و یکجا بصورت تقدیم یک کتاب بمرحوم قزوینی ابراز نموده است، و آن نتیجه کارش در ترجمه حدود العالم به انگلیسی و نوشتن تعلیقات بر آن بود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> به کوشش محمد معین (تهران: کتابفروشی زوار، ج ۳، ۱۳۳۳)، صص ۳۱۰-۳۱۱.

<sup>۲</sup> در رثای مینورسکی، یادنامه ایرانی مینورسکی. تدوین مجتبی مینوی، ایرج افشار (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)، ص د، ز-ح؛ علاوه بر آن مینورسکی مقاله «مقدمه قدیم شاهنامه»، نوشته مرحوم قزوینی، را به انگلیسی ترجمه و منتشر کرد و این «مقدمه» بعدها در بیست مقاله قزوینی تجدید چاپ شد. نک:



3 Holford. Hampstead NW3

1.VIII.1934

دوست فاضل مکرم، اینک یادداشتی است راجع به مذاکره تازه در باب نسخه انجیل طور سینا. سرکار اول کسی بودید که اسم خریدة القصر را بردید در حاشیه چهار مقاله راجع بعمر خیام. نمیدانم اصل متن آنرا بدست آورده‌اید یا نه احتیاطاً سواد آنرا خدمت عالی میفرستم که معلوم میشود قفطی آنرا بدون کم و بیش از عماد اصفهانی استنساخ کرد. بنده حالا مشغول مقاله عمر خیام هستم برای دائرةالمعارف اسلام. آیا در باب او تازگی (بعد از کشف مونس الاحرار) چیزی بنظرتان رسیده است؟ نوروزنامه را بنده میشناسم، ولی هیچ اطمینان ندارم که مال عمر خیام باشد. بلکه اثر یکی از شاگردان آن است.

A

B

Ms. Leiden Or. 348, p. 185 = Or. 216, p. 238

عمر الخيام ليس يوجد مثله في زمانه و كان عديم القرين في علم النجوم و الحكمة و به يضرب المثل  
انشدت من شعره باصفهان

اذا رضيت نفسي بميسور بلغة	يحصّلها بالكد كفي و ساعدي
امنت تصارييف الحوادث كلها	فكن يا زمان موعدي او موعدي
اليس قضى الافلاك في دورها بأن	تعيد الي نحس جميع المساعدي
فيا نفس صنوا في مقيلك ريشما	تخر دراه بانقتاض القواعد

خود عمر خیام خطاباً بخود البته القاب سیدالمحققین الخ استعمال نمی‌کرد و دیگر در باب زیج ملکشاهی طوری سخن میراند که نمیشود تصور کرد که همین شخص یکی از آنها بود که نوروز را باز بفروردین آورده بود.

هنوز صدکار مختلف داشتم که مانع از حرکت بیاریس بوده ولی امیدوارم که بلکه تا ده روز دیگر بتوانم عازم فرانسه شوم که خدمت آن دوست فاضل برسم. از قرار معلوم آقای سر دنیسن رس نیت دارد برای جشن فردوسی ایران تشریف ببرد. بنده مقاله مختصری بتوسط آقای تقی‌زاده برای Festschrift فردوسی فرستادم ولی نمیدانم شاید دیر شده باشد. خیلی خیلی امیدوارم که سرکار امسال بتوانید تغییر آب و هوا بفرمائید!\*

مخلص صمیمی  
و. مینورسکی

۱ B زمانی.

۲ صبراً، کما فی القفطی.

\* در پائین صفحه سوم نامه این تاریخ آمده است: 34. 8. 3.



2 Hatfield rd  
Hampstead NW3  
I. VIII. 1934

دوست فاضل مکرم

الک بادداشتی است راجع به مقاله تازه در باب شبه  
انجیل لورینا

سرکار اول کسی بود که اسم خریدار الفسولا برید در  
حاشیه چهارمقاله راجع به صور خیمام نمیدانم اصل متن  
انرا بدست آورده ایم یا نه احتیاطاً سواد انرا خدمت  
عالی میفرستم که معلوم میشود قطعی آنرا بدون اسم  
و پستی از عداد امضای استنساخ کرد

بنده مقاله مشتمل مقاله عمر خیمام هستم برای دائرة  
المعارف اسلام الی در باب او تاریخی (بعد از کشف  
موسس الاحرار) چیزی بنظر نمان رسیده است؟  
نوروزنامه را بنده میشناسم ولی همی همینان نمانم  
که مال عمر خیمام باشد بلکه اثر یکی از سازان آن است؟

A  
Ms. Aender Or. 348 p. 185 = Or. 216 p. 238  
B

عمر خیمام کسی بود مثله فی زمانه و کان عدم  
القرین فی علم النجوم والحکمه و به یضرب المثل  
اندرت من رکنه باصفهان

اذا وضیت نفسی بمیسور بلغة  
یحملها بالکد کفی وساعدی  
امنیت تصاریف الحوادث کلها  
فلمن یا یازمان موعدی او موعدی  
الیسی قضی الافلاک فی دورها بان  
تصید الی نفسی جمیع المساعید  
فیما نفسی صنوا فی مقیلاک ریثما  
تخر دراه ~~بلا~~ بانتقاض القواعد

B زمانی  
C صبراً کما فی القفلی

13.8.34

خود عمر خیمام خطاباً بنجد الله القاب سیدالتقویین  
الح استحل نمیکرد و دیگر در باب زین ملک شاه طوری  
سخنی میراند که نمیشود تصور کرد که همین سخنی  
یکی از انرا بود که نوروز را باز فرود می آورده بود  
هنوز صد کار مختلف داشتیم که مانع از حرکت  
بیاری بود ولی امیدوارم که بالله تاده روز دیگر  
توانم خاتم فرانسه کنم که خدمت آن دوست  
فاضل برسم از قرار معلوم اقامی سرزمین  
رسی نیت دارد برای پیشی فردوسی ایران رشیدی  
بود بنده مقاله مختصری بتوسط آقای تقی زاده  
برای Festadung فردوسی فرستادم ولی نمیدانم  
سایه در بر شده باشد

خیلی خیلی امیدوارم که سرکار امسال بتوانید  
تصییر اب وهو بفرمائید!

مخلص صمیمی  
ومینورسکی

تصویر نامه و لادیمیر مینورسکی به محمد قزوینی.